

حکمت

تفسیر ادبی عرفانی قرآن مجید
خواجہ عبد... انصاری

الهی ای سزاوار ثنای خویش، ای شکر کننده عطای خویش، ای شیرین نماینده بلای خویش، بنده به ذات خود از ثنای تو عاجز و به عقل خود از شناخت ممت تو عاجز و به توان خود از سزای تو عاجز. الهی گرفتار آن دردم که داروی آنی، بنده آن ثنایم که توسزاوار آنی، من در تو چه دانم؟ تو آنی که خود گفتی و چنانکه خود گفتی آنی، تو آنی که مصطفی (ص) گفت من ثنای تو را نتوانم شمرد آن گونه که تو بر نفس خویش ثنا گفتی.

تفکر قالبی یا کلیشه ذهنی چه بر سر ما می آورد؟

برچسب‌های نااعادلانه

زهرا صالحی نیا

کارشناس سواد رسانه

تابه حال شده وارد جمع جدیدی شوید و پیش از معرفی خودتان، آنها با شما رفتار خاصی داشته باشند؟ رفتار مثبت به احتمال زیاد برای شما خوشایند بوده، اما رفتار منفی همیشه همراهتان خواهد ماند. یکی از خاطرات ناراحت کننده خیلی از ما رفتار معلم بدون در نظر گرفتن توانایی‌ها و فقط بر پایه نمره است. واقعیت این است که ما هر روز، به اجبار، در گروه‌هایی که نمی‌خواهیم دسته‌بندی می‌شویم. پیش از آن که توانایی و علاقه‌مندی‌هایمان شناخته شود در گروهی بدون انتخاب خودمان قرار می‌گیریم و حتی صفات، وظایف و محدودیت‌هایی به ما نسبت داده می‌شود که ربطی به ما و انتخاب مان برای زندگی ندارد. گاهی این گروه‌بندی بر اساس شرایطی است که ما دستی در انتخاب آنها نداشته‌ایم، مانند محل تولد و جنسیت مان. اما این مدل دسته‌بندی و قضاوت که بر پایه تفکر قالبی است، چه تأثیر مخربی می‌تواند در زندگی ما یا فرزندانمان بگذارد؟

قسمت پانزدهم



تفکر قالبی چیست؟

Stereotype، تفکر قالبی یا کلیشه ذهنی مدلی از تفکر و پیش‌داوری گروهی از افراد نسبت به گروهی دیگر است که تنها بر پایه ظاهر آن افراد بنا شده است و به همین علت احتمال خطای بالایی دارد. تفکر قالبی یا کلیشه‌های مثبت نسبت به فرد یا گروهی، مثلاً نسبت به افراد زیبا، تنها مدلی از احترام و علاقه پوشالی بر پایه تفکری بی‌اساس است و احساس و انتخابی ریشه‌دار نیست. بر همین اساس کلیشه‌های آزاردهنده منفی مانند حس منفی نسبت به سیاهپوستان هم احساسی بی‌پایه و اساس است؛ اما رفتاری که از این احساس نشات می‌گیرد در بسیاری موارد باعث بروز خشونت و حوادثی می‌شود که ضرره‌های جبران ناپذیری به هر دو گروه وارد می‌کند. اما کدام کلیشه‌ها باعث به وجود آمدن چنین تفکری می‌شود؟

کلیشه‌های نژادی

از کلیشه‌های رایجی که وجود دارد، می‌توان به کلیشه‌های نژادی مرتبط با نژاد، کشور، محل تولد و رنگ پوست است اشاره کرد، مانند گفتن این که تمام سیاهپوستان در ورزش موفقند که کلیشه‌ای در ظاهر مثبت است، اما همین دسته‌بندی مانع از پرداختن به وجوه دیگر شخصیت یک فرد سیاهپوست می‌شود و همچنین به اجبار برچسبی روی این افراد و کودکان سیاهپوست زده می‌شود که در صورت موفق نبودن در ورزش، گویا نقصی در آنها وجود دارد.

کلیشه‌های جنسیتی

کلیشه‌های جنسیتی یکی از قدیمی‌ترین و ریشه‌دارترین کلیشه‌های ذهنی است. به نظر می‌آید نوک پیکان آن به سمت زنان است؛ اما این نکته مهم را نباید فراموش کرد که حتی کلیشه‌هایی که ظاهر مثبت دارند باز هم فشاری بر افراد وارد می‌کند که این فشار انتخاب آنها نبوده و به اجبار در آن شرایط قرار گرفته‌اند، گاهی این اجبار همسو با خواسته‌های فرد است؛ اما در بسیاری از موارد فرد برای رهایی از سرزنش عمومی، نگاه مردم و ترس و نگرانی بابت شناکردن در خلاف جهت جریان آب، برخلاف میل خود عمل کرده و شرایط را می‌پذیرد. برخی کلیشه‌های رایج را احتمالاً شنیده‌اید مانند: مردان قوی هستند، دختران در ورزش مهارت ندارند، مردان آدرس نمی‌پرسند، رانندگی خانم‌ها خوب نیست و....

کلیشه‌های فرهنگی

در گذشته فیلم‌ها و سریال‌هایی ساخته شد که شخصیت منفی فیلم لباس بلوچ به تن داشت. ذهنیتی که نسبت به این قوم شکل گرفت، مردمی خشن، اهل قاقاق در زیستگاهی خشک و کویری بود. اما در سال‌های اخیر ورود گردشگران و معرفی بهتر این اقلیم باعث روشن‌نگری و تغییر ذهنیت بسیاری از افراد نسبت به این استان زیبا و مردمان خونگرم آنجا شد. کلیشه‌هایی در مورد فرهنگ‌ها به عنوان یک کشور وجود دارد. نمونه‌های کلیشه‌ای این نوع شامل این است که سفیدپوستان آمریکایی چاق و تنبل هستند. هومر سیمپسون در مجموعه تلویزیونی سیمپسون‌ها شخصیت این کلیشه است. این که مکزیک‌ها تنبل اند و غیرقانونی وارد آمریکا شده‌اند، سیاهپوستان فقیرند، مردم ایتالیا یا فرانسه همدرد و دوست هستند و اعراب از دنیای مدرن دور بوده و افرادی خشن هستند هم نمونه دیگری از این کلیشه‌هاست.

کلیشه‌های گروهی

نوع متفاوت کلیشه از گروه‌بندی افراد می‌آید. اسکیت‌بازها، گانگسترها و متولدین یک ماه خاص، قدبلندها، ساکنان یک محله، منطقه شهری یا روستایی، در کشور ما به طور مثال چادری‌ها، مانتویی‌ها، مردانی با ریش بلند یا ریش کوتاه و بسیاری مثال‌های دیگر که قابل حدس است. بیشتر این کلیشه‌ها در مدارس و شبکه‌های اجتماعی در حال شکل‌گیری است. مثلاً: سیاستمداران فقط به منافع شخصی فکر می‌کنند، دختران فقط نگران ظاهرشان هستند، فروردینی‌ها مغرور و تنبل هستند، دختران زیبا کم‌هوش هستند، زنان مسن رنگ روشن نمی‌پوشند، مرد خانه‌دار وجود ندارد و بسیاری موارد دیگر.

نقش والدین

تصاویر زنان و مردان در رسانه‌ها اغلب بر اساس نقش‌های کلیشه‌ای زن و مرد در جامعه ما ساخته می‌شود. از آنجا که کلیشه‌سازی می‌تواند بر احساس کودکان در مورد خود و ارتباط آنها با دیگران تأثیر بگذارد،

مهم است یاد بگیرند کلیشه‌های جنسیتی را در رسانه‌های مختلف تشخیص دهند و مستقل از آنها تصمیم گرفته و رفتار کنند. سواد رسانه تلاش می‌کند فرد بر ورودی‌های ذهن خود مسلط شود و تنها بر مبنای پیام‌های بیرونی، انتخاب نکند. بلکه هر پیام را با توجه به ارزش‌های درونی خود سنجیده و سپس انتخابی مستقل انجام دهد. درباره کلیشه‌های ذهنی نیز تلاش بر این است که کودک بر کلیشه‌هایی که از سمت رسانه می‌آید مسلط شود. والدین در این مسیر باید پیش از کودک بر این کلیشه‌ها مسلط شوند، ذهن کودک نسبت به کلیشه‌ها پاک‌تر از ماست و باید حواسمان باشد کلیشه‌ای را ناخواسته وارد ذهن فرزندمان نکنیم. درواقع اجازه ندهیم کلیشه‌های ذهنی‌مان پیش از ما عمل کنند و تصمیم بگیرند. آیا ما واقعاً معتقد هستیم که دختران و پسران هر کدام اسباب‌بازی خاص خود را دارند یا این تفکر از پیش زمینه خانوادگی، اجتماعی ما می‌آید؟ مهم‌ترین ضربه‌ای که اعمال یک کلیشه‌ذهنی به کودک می‌زند، نادیده گرفته شدن است. توانایی، علاقه‌مندی، مهارت و انتخاب‌های یک فرد نادیده گرفته می‌شود و پیش از آن که او بخواهد در دسته‌ای قرار می‌گیرد. این فشار ممکن است او را به سمت تنفر از گروهی که در آن قرار دارد سوق دهد. به حس منفی بسیاری از دختران از جنسیت خود توجه کنید.

شناخت کلیشه‌ها

تغییرات کلیشه‌های ذهنی ناگهانی اتفاق نمی‌افتد، چرا که روند شکل‌گیری این تفکر، طولانی و ریشه‌دار است. اولین قدم برای خنثی کردن نارنجک‌های عمل نکرده کوچکی که هر لحظه ممکن است منفجر شود، شناخت آنهاست. کلیشه‌ها گاهی آنچنان در تاروپود تفکر ما پنهان شده که به سختی آنها را می‌بینیم، اگرچه کودکان و نوجوانان بهترین مسیر یاب هستند. فرزندان تمام باورها و کلیشه‌های والدین را زیر سوال می‌برند و زیرورو می‌کنند و این دقیقاً فرصتی دوباره برای والدین است، برای بازنگری و قدم گذاشتن در مسیر رشدی جدید. در این هفته فهرستی از کلیشه‌هایی را که در ذهن و زندگی خود دارید، پیدا کنید و بنویسید. در هفته‌های آینده به بررسی انواع کلیشه‌های موجود در رسانه و نحوه برخورد و مدیریت آنها می‌پردازیم.